

در تابعیت

« ۶ »

فصل دوم - تابعیت نفویضی بنا بر تصمیم و اختیار دولت

N. Donnée par decision de l'autorité Publique

قسمت اول - ملاحظات عمومی

۶۹ - **تعریف - Definition** کسانی که نمیتوانند بطریق مذکور در فصل اول باب دوم (نمره ۶۰ بعد) دارای تابعیت اعطائی توسط قانون بشوند ممکن است با دارا بودن شرائطی خاص از دولت تقاضای اعطاء تابعیت بنمایند. در اینصورت دولت با دارا بودن قدرت و اختیارات تام لازمه این امتیاز را بمتقاضی تفویض مینماید. این طریقه را تحصیل تابعیت و بزبان فرانسه *Naturapisation* مینامند و دو نکته قابل توجه در آن ملحوظ است.

۱ - تفویض این تابعیت ناشی از قدرت دولتهاست. بنا بر این دولت ممکن است با وجود صحت تمام شرائط از اعطاء چنین تابعیتی خود داری نماید.

۲ - با وجود اختیارات تام دولت متقاضی باید برای تحصیل تابعیت جدید خود تقاضا نامه تقدیم دارد. و از اینجا چنین نتیجه میشود که شخص هم در تقاضای تابعیت و عدم تقاضا آزاد و مختار است و نمیتوان بهیچ عنوان تابعیتی بر او تحمیل نمود. از این دو تعریف میتوان نتیجه گرفت که این نوع تابعیت مانند قرارداد دوجانبه ای است که بین طرفین با آزادی و اختیار مطلق جاری و استوار میگردد.

۷۰ - **هدف تحصیل تابعیت** - هدف اصلی تحصیل تابعیت ازدیاد جمعیت و قدرت نفری مملکت است. روی همین اصل کشورهایی که دارای جمعیت کمتری هستند معمولاً دارای قوانین ساده و بی تکلفی میباشند تا آسانتر بتوانند افراد خارجی را بخود جلب نمایند. بالعکس در ممالک پرجمعیت سختگیری شده و شرائط سنگینتری جهت پذیرفتن افراد خارجی در نظر میگیرند.

قبل از تشریح مطلب بالا بهتر است این نکته ضروری بسیار لازم را متذکر شویم که مسئله **تحصیل تابعیت** غیر از موضوع **تابعیت اصلی** است.

تابعیت اصلی - مربوط بتولد و نسب است که نه قوانین و نه دولتها هیچگونه اختیاری نداشته و نمیتوانند تابعیت ایرانی را از افراد اقلیتهای نژادی که در این سرزمین بدنیا آمده و همین جا زندگی میکنند سلب نمایند. چه اینان قرون متمادی در این آب و خاک میزیسته و با وجود تمام بی مهریها و بی وفائیها که نسبت بموطن و مولد خود روا میدارند و وقت و بیوقت دانسته و ندانسته ضررهای فاحش مادی و معنوی باقتصاد و سیاست مملکت وارد میاورند باز جزء لاینفک این کشور هستند. همچنین تابعیت اعطائی توسط

قانون نیز همانطور که بیان شد (نمره ۶) چون ناشی از قانون است اجباری است مگر اینکه در خود قانون مقررات مخالف دیگری پیدا و یا وضع شود.

و اما تحصیل تابعیت از قدرت دولتها سرچشمه گرفته و آنها مطلقاً در قبول و یارد درخواست متقاضیان آزاد میباشند. بهمین مناسبت است که قبلاً (نمره ۱۲ قسمت سوم از فصل دوم از عنوان اول) در باره خط مشی متخذ دولتها نسبت بموضوع تابعیت مطالبی ایراد و تا آنجا که در حوصله این کتاب بود (سوی بحث مربوط باقلیتهای نژادی و مسائل تاریخی) نکات برجسته را روشن و مورد مطالعه قرار دادیم و اینک بعنوان تکمیل آنمطالب اشاره میکنیم که :

صحیح است که برای تحصیل تابعیت کشور مقررات خاصی وضع شده است و فقط متقاضیان واجد شرایط لازم میتوانند از این امتیاز بهره ور شوند ولی باید در نظر داشت که :
اولاً قوانین همیشه قابل انعطاف بوده و شامل نکات کوچک و ذره بینی میباشد که متخصصین فن میتوانند آنها را مجوز تجاوز از منظور قانونگذار قرار دهند.

ثانیاً - افراد زیادی در عالم پیدا میشوند که با زرنگی های خاص تمام قوانین را زیر پا گذارده و پیوسته نیز سربلند و بیخیال راه میروند.

ثالثاً - اشخاص دیگری نیز یافت میشوند که استعداد ایجاد شرایط لازم برای رسیدن بهدف خود را دارند و براحتی از هدف قانون منحرف شده و یا قانون را از هدف اصلی خود منحرف میکنند.

پس با ذکر اینمطالب کاملاً بجای و مناسب است که دولتها در مقررات پوسیده مربوط به تحصیل تابعیت تجدید نظرهای کافی و لازم بعمل آورده و با صدور تصویبنامه آسان و یا تقدیم لوایحی بقوه مقننه مواد تکمیلی یا تمویضی بقانون تابعیت ناقص فعلی اضافه نمایند.

۷۱ - راه کار - برای ازدیاد قدرت ملی باید ملت را از دو لحاظ **کمیت و کیفیت** هر دو قوی ساخت. بدین منظور لازم است که قبلاً با سیاست سالم و عاقلانه ای تعداد زیادی افراد خارج را بکشور جلب نمود. سپس با مطالعه روحیات و آزمایشات دقیق از اخلاق و رفتار یکایک آنان تعداد لازمی را که مناسب جامعه ایرانی باشند انتخاب و بالاخره ایشانرا بکشور علاقمند ساخت.

۷۱ یک - الف - مسئله کمیت - این مسئله از دو لحاظ **اقتصادی و جمعیتی** مورد توجه است.

۱ - عنصر جمعیت - امروزه کمتر دولتی است که احتیاج بازدیاد جمعیت و افراد زیاد نداشته باشد و بهمین منظور سیاست هر دولتی معطوف بانمسائل است تا بتواند اقتصاد کاملی بدست آورد. موضوع تابعیت یکی از مهمترین طرق نیل بان مقصود است. و شایستگی آن دارد که قوانین مربوطه بان مورد توجه روز افزونی قرار گیرد.

در فرانسه سازمان مخصوصی جهت این موضوع در وزارت جمعیت مستقر است که وظیفه آن رسیدگی به کلیه مسائل مربوط به تحصیل تابعیت میباشد و آماریکه بدست داده از اینقرار است : تازه تبعه های کشور فرانسه در سال ۱۹۲۷، حدود ۳۰۰۰۰ و در سال ۱۹۳۹ حدود ۴۰۰۰۰ و در سال ۱۹۴۹ مجموع آنها بالغ بر ۴۰۰۰۰۰ نفر بوده است.

۲ - عنصر اقتصادی - اکثر قریب بتمام کشورها احتیاج بکارگران خوب و ورزیده و کم و بیش متخصصین کارهای دستی دارند و از اینرو دائم درصدد تهیه اینقبیل افراد میباشند. البته باید توجه کرد که اینموضوع بهیچوجه ربطی به تعداد زیاد بیکار و ولگرد روزافزون داخلی ندارد (بطور مثال این افراد در حدود $\frac{1}{10}$ تا $\frac{1}{8}$ جمعیت فعلی تهران را تشکیل میدهند) و نمیتوان باستناد داشتن اینهمه بیکار مفتخواره از فکرتهیه افراد کارگر و زحمتکش متخصص (هر چند خارجی) صرفنظر نمود. تازه بفرض آنکه تمام افراد کشور مشغول کار باشند بازهم در حال حاضر وبا وسعت زیاد مملکت نمیتوان مستغنی از وجود افراد مناسب خارجی شد.

نکته قابل توجه دیگر آنکه همیشه باید بین احتیاجات نفری و اقتصادی مملکت هم آهنگی لازم برقرار نمود و باینمعنی که وقتی با بررسی های لازم عدم احتیاج به افراد اضافی تشخیص داده شد باید ازورود و هجوم آنها هر چند که خوب هم باشند جلوگیری نمود. چه اینموضوع صرفنظر از تخریب روحیه افراد ملت و ایجاد یأس و ناامیدی در ایشان اصولاً منبعث از زیاد بیکاری بوده و چرخ اقتصادی کشور را فلج میکند.

۷۱ د- ب - مسئله کیفیت - اینمسئله بانتخاب متقاضی تحصیل تابعیت مربوط بوده و بستگی کامل بخواص جسمی روحی اخلاقی و همچنین کشور اصلی زبان مذهب و خانواده شخص مورد نظر دارد.

۷۲ - احتیاطات لازمه - برای قبول اشخاص خارجی بعنوان تبعه کشور بایستی احتیاطات مخصوص و لازمی اتخاذ گردد. آنچه که ذیلا بیان میشود مکمل احتیاطات متعذنه توسط قانونگذار و شایان بذل توجه کامل میباشند.

۱ - تعداد خارجیان تازه تبعه نباید از $\frac{1}{10}$ (درصد) بخصوصی نسبت باحتیاجات اقتصادی مملکت تجاوز نماید در غیر اینصورت مشکلاتیکه قبلاً (نمره ۱۲ خط مشی دولتها) تشریح شد پیش خواهد آمد. ضمناً اشاره میشود که رعایت موضوع فوق در حال حاضر برای کشور ما ضروری نیست زیرا با مساحت زیاد خاک و جمعیت کم هر چه بیشتر در فکر تهیه افراد خوب و سالم باشیم کم است.

۲ - باید با افراد تازه تبعه وسائل زندگی و اعاشه داده شود تا بتوان از آنها کار و وظیفه خواستار شد زیرا نه کشور مهمانخانه و مأمن اشخاص بیکار و رانده شده است و نه مردم کارگران مفت و بی جیره و مواجب هستند.

۳ - باید حتی المقدور این کارگران و کارکنان تازه تبعه را در تمام نقاط کشور پراکنده نمود و مخصوصاً توجه کرد که لااقل تا مدتی کم و بیش طولانی هر کدام آنها در مرز مجاور کشور اصلی نمانند. و بنقطه دور و مقابل گسیل شوند چنانکه فی المثل نباید مهاجر شمالی تازه تبعه را در شمال و شرقی را در مشرق و هكذا... قرار داد و متوطن کرد. چه در اینحال ممکن است پس از مدتی حشر و نشر در منطقه اصلی و مجاورت با هموطنان سابق و احساس عدم احتیاج شروع بکارهای نامشروع و غیرقانونی نمود و حتی مرتکب اعمال نامناسبی (ما قبلاً آنها را تعریف و بنام Mouvement Irredentiste نامیدیم نمره ۱۷) بشوند.

۴ - باید آنها را با افراد ملت مخلوط و محشور نمود چه هر اندازه معاشرت بیشتر شود احساس غربی در آنها کمتر وعلاقه‌شان نسبت بسر زمین جدید بیشتر میگردد.

۵ - مسئله کشور اصلی این تازه واردین بسیار مهم است زیرا افراد پاره‌ای از کشورها اصولا با هیچکس و هیچ جا سازگار نیستند.

۶ - موضوع زبان نیرا بسیار مهمی است زیرا محال است کسی زبان کشوری نداند و با وجود تمام منافع بان دل بستگی پیدا نماید.

بدبختانه در این کشور باستانی زبان اصلی را فراموش کرده و آنچه را نیز که موجود است آنچنان در بوته اهمال گذاشته‌ایم که بیم آن میرود در آتی نزدیک یکی بکلی متروک شود. بد نیست که بعنوان مثال چند مورد را شاهد قرار دهیم: در بعضی مدارس ابتدائی از کلاس‌های پائین شروع بآموختن زبان خارجی (که فشاری هم بر فکر و مغز طفل خرد سال است) مینمایند. در اکثر قریب بتمام مدارس دانش‌آموزی را که در آزمایش نهائی دیکته و انشاء فارسی نمره ضعیف و حتی بد میگیرد بعنوان ارفاق قبولش میکنند ولی همان شاگرد اگر در دیکته و انشاء زبان خارجی نمره کمتر از متوسط داشته باشد تجدیدی یا مردودش میکنند عجب استکه طواف میوه فروش و دوره گرد که سواد فارسی ندارد از کلاس اکابر دوری جسته و در عوض با تأدیه مبلغ گزافی ماهیانه زبان خارجی فرا میگیرد.

۷ - مذهب این افراد خارج نیز بسیار مهم است. گرچه مذاهب آزاد و در حال حاضر کسی را مجبور بقبول مذهب دیگری نمینماید لیکن باید توجه کرد که نباید تمام این افراد بتظاهر مذهبی خود متوسل شوند و گرنه ناراحتی و هرج و مرج ایجاد میشود چنانکه فی‌المثل طبق مقررات بین‌المللی در هیچ کشور اسلامی صدای ناقوس کلیسا شنیده نشده و در هیچ مملکت عیسوی آواز مؤذن در مناره مسجدی بلند نیست.

۸ - مشاغل این افراد باید مورد توجه قرار گیرد چه این مشاغل منابع کار و تولید ثروت مملکت میباشند پس ناچار باید کسانی انتخاب شوند که مورد حاجت مملکت باشید و گرنه عمه پر قدرت بکاری نمیخورد.

۹ - استعداد جسمی و مغزی اشخاص نیز لازم‌الرعايه است زیرا نمیتوان کشور را تبدیل بمریضخانه و درمانگاه نمود.

۱۰ - خواص معنوی و روحی هموطنان تازه از همه بیشتر شایان دقت است.

هر بعدا بشرح مورد اخیر و پاره ای موارد دیگر یاد شده خواهیم پرداخت ولی فعلا بعنوان اصل و قاعده اشاره میکنیم که:

«هرچند کشوری بیشتر افراد نجیب و باهوش و با شرافت بخود جلب نماید و آنها را تبعه کند بیشتر آسوده و درامان بوده و نتایج عالیترا بدست میآورد»

ذکر این نکته مکرر نیز لازم است که کشور ایران در قوانین مربوطه بتابعیت (خاصه قانون ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۰) پاره ای از احتیاجهای و تضمینات مذکوره را در نظر گرفته است لیکن میتوان گفت که چندان متعرض موضوع تحصیل تابعیت افراد خارجی نشده است.

قسمت دوم - شرایط معنوی تحصیل تابعیت

این شرایط در ایران در مواد ۹۷۹ تا ۹۸۲ و بند ۲ ماده ۹۸۳ ق.م.ا. مندرج و در فرانسه مواد ۶۱ بعد شامل آنها میشوند شرایط مزبور عبارتند از:

اول - اهلیت Capacité چنانکه قبلاً مطالعه شد (نمره ۶۹) تحصیل تابعیت نوعی قرارداد دو جانبه است (بزبان فرانسه Contrat Synallagmatique که در آن اهلیت یکی از عناصر اساسی اربعه بوده وبدون آن عقد و قراردادی صورت نمیگیرد. بنا براین برای تحصیل تابعیت ایران بایستی سن متقاضی به ۱۸ سال تمام رسیده باشد (بند ۱ ماده ۹۷۹ ق.م.ا.))

براین قاعده عمومی استثنائی موجود است و آن در مورد اطفال صغیر اشخاصی است که خود تحصیل تابعیت ایران کرده باشند. (ماده ۹۸۹ ق.م.ا. نمره ۶۳) ولی این اطفال میتوانند در یکسال پس از رسیدن بسن بلوغ تابعیت اولیه خود را تقاضا کنند.

دوم - اقامت - Residence شامل استقرار یا توقف و دوره استاژ Stage است.

الف - استقرار - Etablissement استقرار در قانون ایران دارای شرایط ذیل است:

۱ - توقف اجباری است (بند ۲ ماده ۹۷۹ ق.م.ا.). موضوع لزوم توقف در کشور برای تحصیل تابعیت آن کشور امری است کاملاً طبیعی و منطقی زیرا که بایستی متقاضی تحصیل تابعیت دلبستگی و روابط کافی با کشور مورد نظر خود داشته باشد. امروز در روابط دول بسیار زشت و زننده است که کشوری تقاضای تابعیت افراد ممالک دیگر را رد کند بدون آنکه دلیل سیاسی اقامه نماید. باضافه لزوم اقامت و توقف متقاضی تحصیل تابعیت در کشور مورد نظر خود توسط مؤسسه حقوق بین المللی مورد بحث قرار گرفته و در جلسه عمومی منعقد در استکهلم سال ۱۹۲۸ چنین مقرر داشتند: « هیچ کس نمیتواند مادام که در کشور متبوع اولیه خود مقیم و ساکن است تقاضای تحصیل تابعیت کشور دیگری را بنماید. »

۲ - **توقف منظم باشد** ماده یاد شده قانون مدنی مقرر میدارد که متقاضی تحصیل

تابعیت بایستی ۵ سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشد.

ظاهر این ماده مخصوصاً با توجه به دو کلمه **متوالی** یا **متناوب** معرف لزوم و

اجبار استقرار متقاضی در ایران نیست ولی با توجه بسائر قوانین و آئین نامه های اجرائی تابعیت لازم بودن توقف در خاک کشور روشن میشود. باضافه باید توجه کرد که منظور از اقامت در نقطه ای آن نیست که شخص علی الدوام در آنجا متوقف باشد بدون آنکه بتواند تغییر مکانی بدهد بلکه منظور آن است که شخص در جایی ساکن بوده و کارهای اصلی و مرکز عملیات خود را در آنجا قرار دهد (صریح ماده ۱۰۰۲ ق.م.ا.)

۳ - **مستثنیات اقامت اجباری** - برطبق بند آخر ماده ۹۷۹ ق.م.ا. مسکن

است شخص متقاضی خدماتی در خارج برای کشور انجام داده و از اقامت اجباری معاف گردد. کلمه خدمت در این ماده اعم است از آنکه شخص در خدمت دولت ایران باشد

و یا از طرف دولت خدمات ارجاعی را انجام دهد و یادر یکی از سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و یا مؤسسات رسمی ایرانی در خارج انجام وظیفه کند.

در قانون فرانسه دو مورد خاص اضافی در موضوع انجام خدمت در خارج کشور مذکور است (ماده ۷۸ ق. ت. ف) که در کشور ما تا کنون محلی برای آن نبوده و ممکن است بعدها پیدا شود. از اینقرار:

مورد اول - اقامت در کشوری است که با فرانسه اتحاد گمرکی دارد.

مورد دوم - خدمت در یک واحد نظامی منظم ارتش فرانسه است در زمان صلح یا جنگ که در خارج کشور انجام وظیفه مینماید.

۷۰- ب - استاژ Stage منظور از استاژ عبارت است از مدت و دوره‌ای است که شخص تاحصول نتیجه درجائی توقف و کارآموزی یا خدمت نماید. این دوره شامل دو قسمت است ۱- مدت استاژ - این مدت چنانکه در ماده ۹۷۹ مذکور است ۵ سال متوالی یا متناوب میباشد.

تمثیه - تعبیر دو اصطلاح سکونت «متوالی با متناوب» مذکور در بند ۲ ماده ۹۷۹ ق. م. ممکن است مورد اختلاف نظرهای زیادی واقع شود که ما اینک بشرح بعضی آنها پرداخته و مختصراً بیان عقیده مینمائیم.

نظر اول - در متون و ترجمه‌های فرانسوی که در اینباب مورد مطالعه قرار گرفته است دو اصطلاح متوالی با متناوب را به عبارت متوالی یا غیر آن ترجمه و تعبیر کرده‌اند Consecutif ou non

متأسفانه این ترجمه با تعبیر بسیار غلطی است که نویسندگان یا مترجمینی بدون درک روح قانون و منظور اصلی قانونگذار مانند ترجمه فلان کتاب رمان بمیل و تصور خود بعمل میاورند. در نتیجه این توهم بوجود میاید که کافی است شخصی بایران آمده و پس از چند روز گردش و تفریح مراجعت نموده و کار را مدت پنج سال ادامه دهد تا بتواند تحصیل تابعیت نماید. و حال آنکه تصور چنین سهل انگاری از طرف قانونگذار بسیار غلط و نادر است.

نظر دوم - ممکن است دو اصطلاح متوالی یا متناوب چنین تعبیر و تفسیر شود که: شخص در مدت پنجسال می تواند یکسال با ششماه در میان ساکن در کشور باشد و غیبت کند با این ترتیب حد اقل سه سال از ۵ سال را در کشور ساکن خواهد بود و اینمدت هم تقریباً برای ایجاد دلبستگی و پیوند مودت کافی است چنانکه قانون فرانسه تا سال ۱۹۴۰ مدت را ۳ سال قرار داده بود.

نظر سوم - این تعبیر صحیح تر از دیگران بنظر میرسد و چنین است که متقاضی بشرط داشتن اقامتگاه اصلی در ایران باید ۵ سال تمام در مدتی عادی و طبیعی ساکن در این سرزمین بوده باشد. مدت عادی و طبیعی برای ۵ سال اقامت حدود ۷ تا ۸ سال است. صحت این تفسیر اخیر از روی مفاد قوانین و آئین نامه های اداری هم کاملاً واضح و روشن میشود چنانکه در مورد بازنشستگی نیز مدت ۲ سال متوالی یا ۲۰ سال متناوب نیز همینطور تعبیر میشود.

بهر حال با تمام تعبیر و تفسیری که بعمل آمده چون ممکن است اختلاف نظر همیشه باقی و برقرار باشد از اینرو شایسته و مناسب است که قانونگذار توجه خاصی مبذول و تفسیر قاطمی بر این ماده بعمل آورد.

۷۶ - ۲ - **معافیت از استاژ** - بر طبق مواد ۹۷۹ (۹۸۰ ق. م. ا) بعضی اشخاص از گذراندن دوره استاژ معاف هستند از این قرار
اول - زن هر مردی که تحصیل تابعیت ایران کرده باشد فقط در یکسال بعد از تابعیت شوهر میتواند ایرانی شود. مشروط بر اینکه در اینمدت تقاضای برگشت بتابعیت اصلی خود را ننموده باشد.

دوم - طفل صغیر که تحصیل تابعیت ایران کرده باشد فقط در یکسال پس از رسیدن بسن ۱۸ سال میتواند دارای تابعیت ایرانی شود مشروط بر آنکه در اینمدت تقاضای برگشت بتابعیت اصلی خود را ننموده باشد.

سوم - کسانی که در خارج در خدمت دولت ایران باشند.

چهارم - کسانی که عیال ایرانی و از و اولاد داشته باشند.

پنجم - کسانی که بامور عام المنفعه ایران خدمت شایانی کرده باشند.

ششم - کسانی که دارای مقام عالی علمی بوده و متخصص در امور مهمه و عام المنفعه باشند.

تبصره - بسیار بجا و مناسب و حتی لازم بود که قانونگذار اشخاص زیر را نیز از گذراندن دوره استاژ معاف میکرد:

الف - اولادان کبیر و رشید کسانی که تحصیل تابعیت ایرانی کرده باشند. حذف ماده ۹۸۵ ق. م.

ب - اولاد مردان خارجی که در ایران متولد میشوند. بند ۵ ماده ۹۷۶

پ - اولاد نمایندگان سیاسی و کنسوکی که در ایران متولد میشوند. تبصره ماده

۹۷۶

۷۷ - در قانون فرانسه موارد اضافی برای معافیت با تقلیل دوره استاژ به دو سال پیش بینی شده است از این قرار:

الف - طفل صغیر هر زنی که مستقلا بتابعیت فرانسوی در آید.

ب - اطفال صغیر از ۱۸ سال تا ۲۱ سال کسانی که تحصیل تابعیت فرانسوی کرده باشند ولو آنکه متأهل بوده و یا در خدمت ارتش کشور اصلی هم مشغول کار باشند.

ج - اطفال کبیر و رشید زن هر مردی که تحصیل تابعیت فرانسوی کرده باشند.

د - اطفال خارجی که با اولاد خواندگی فرانسوی درآمده باشند.

و - خارجیانی که در زمان جنگ برای ارتش فرانسه یا متحدین او داوطلبانه خدمت کرده باشند.

ز - خارجیانی که در زمان جنگ برای خدمت در واحدهای چریک یا پارتیزان Partisan احضار شده باشند.

ح - خارجیان متولد در خاک فرانسه (۲ سال استاژ)

ت - خارجیانیکه زن فرانسوی گرفته باشند (۲ سال استاز)

۷۸ - سوم - اخلاق Moralité موضوع اخلاق متقاضیان تحصیل تابعیت

بسیار مهم و لازم است و مقررات مربوطه آن در قانون فرانسو در مواد ۶۸ تا ۷۱ مذکور و در قانون ایران در بند ۳ و ۴ ماده ۹۷۹ و ماده ۹۸۱ و تبصره آن و همچنین بند ۲ ماده ۹۸۴ بیان شده است باین شرح :

الف - خدمت نظام وظیفه - متقاضی نباید فراری از خدمت نظام وظیفه

باشد. برای روشن شدن مطلب آنرا چنین بیان میداریم که ممکن است این فرار از خدمت را بدو صورت تعبیر کرد.

تعبیر اول - فرار از خدمت بمعنای اعم است و آن در مورد افراد داخلی مملکت است که بعنوان مختلفه از قبیل کفالت دروغین و اغفال مأمورین و وسائل مزورانه دیگر تحصیل معافیت مینمایند. و یا اصولاً از معرفی خود سر بازده حتی از پی جوئی و تعقیب مأمورین هم فرار میکنند.

تعبیر دوم - فرار از خدمت بمعنای اخص است و آن در مورد متقاضیان تغییر تابعیت صادق است. باین معنی که ممکن است تصور شود که این قبیل افراد بمنظور فرار از خدمت نظام وظیفه جلائی وطن کرده و سر زمین دیگری پناه میبرند و خواه ناخواه خدمت نظام در کشور اولیه را ترک میکنند.

با بیان مقدمه مختصر بالا چنین نتیجه میگیریم که منظور قانونگذار فرار از خدمت نظام وظیفه نوع اول است و گرنه توجه دولت به طفره از خدمت نظام وظیفه نوع دوم نه صرفه و صلاحی برایش داشته و نه مربوط باو میباشد زیرا :

اولاً - اگر منظور واقعی قانونگذار آن خصوص افراد متقاضی تحصیل تابعیت و انجام خدمت نظام آنها در کشور اولی بود میتوانست آنرا مانند موضوع اقامت و سایر موضوعات در مقررات بین المللی داخل کرده و یا لاقلاً در معاهدات و قرار دادها و مقاوله نامه های بین کشورها بگنجانند.

ثانیاً - نوع دوم فرار از خدمت را نباید بد اخلاقی دانست بلکه فقط میتوان آنرا بیوفائی نسبت بکشور متبوع اولیه نامید اگر این خصیلت را بد اخلاقی بدانیم باید هر تقاضای تغییر تابعیتی را هم که با کمال حسن نیت و به پیروی از مصالح زندگی مرد و خانواده اش انجام شده و از ارکان آزادی بشر است بد اخلاقی بدانیم. و این خلاف مروت است.

ثالثاً - اگر منظور قانونگذار نوع دوم فرار خدمت بود اصولاً هیچ امکان تغییر تابعیتی صورت پذیر نمیشد زیرا لازمه هر تغییر تابعیت گسستن پاره ای از روابط شخص است با کشور اولیه و خدمت نظام عم یکی از آن روابط است و تا حدود دو ثلث از عمر طول میکشد پس چنانچه شخصی در این مدت عمر نتواند از آزادی فردی و قوه کار زیاد و زندگی بهتر استفاده کند بهتر است بقیه مدت را بعبادت مشغول و خود را برای دنیای دیگر آماده کند.

رابعاً - منظور قانونگذار از انجام خدمت نظام وظیفه و فراری نبودن از آن محققاً حفظ امنیت کشور است. از طرفی میدانیم که این خدمت با مختصر تفاوتی از لحاظ نوع خدمت و مدت، مراحل زیر پرچم آماده احتیاط و ذخیره در تمام دنیا شبیه هستند. بنابراین

بنظر ما هیچ اشکالی نیست که افراد مردم با دارا بودن شرایط لازمه دیگر بتوانند در هر موقعیکه مایل باشند تغییر تابعیت داده و بقیه مراحل خدمت را در کشور جدید بپایان رسانند.

خامساً - اگر منظور قانونگذار انجام خدمت نظام وظیفه در کشور اولیه بود احتمال آن میرفت که این شرط اکثراً تعلیق به محال شود زیرا از یکطرف بر طبق مقررات متقاضی باید ۵ سال متوالی یا متناوب در کشور مورد نظر اقامت داشته باشد و با او پیوند و رابطه‌ای پیدا نماید. و از طرفی باید خدمت خورا (مثلاً دو سال متوالی زیر پرچم هم در کشور اولیه انجام داده باشد. در اینصورت ایفاء یکی از این دو شرط غیر ممکن و بالتبعیجه وصول به هدف تغییر تابعیت محال خواهد شد.

سادساً - از لحاظ حاکمیت دولت نیز چنانچه بر رسی شود معلوم میگردد که نظر قانونگذار مربوط بقرار نوع دوم نیست زیرا:

۱ - هیچ دولتی مسئول کارهای انجام شده در ممالک دیگر نیست. فی‌المثل چنانچه یکنفر فرانسوی بمنظور طرفه از خدمت نظام وظیفه در کشور اولیه خود تقاضای تابعیت ایران را نموده باشد هیچ ربطی بدولت ایران ندارد و بالعکس.

۲ - این تضمین در اکثر از قوانین وجود ندارد.

۳ - بفرض آنکه دولتها برخلاف مقررات بین‌المللی مذکوره (نمره ۷) . . . ۱٪ آزاد و مستقل در امر تابعیت باشند و بفرض آنکه هیچیک از نکات مذکوره بالا مورد قبول واقع نگردد اصولاً توجه یکطرفه دولت بمقررات سائر دول نوعی تبعیت و تخفیف در حاکمیت او است که البته بر خلاف مصالح عالیه کشور بوده و باید آنرا قسمی کاپتیولاسیون نامید.

در قانون اکثر کشورها موضوع انجام خدمت نظام وظیفه یکطرفه است باینمعنی که هر فرد ذکور واجد شرائط مادام که خدمت نظام خود را انجام نداده باشد نمیتواند ترک تابعیت کند.

با شرح مراتب بالا توصیه میشود که موضوع فوقرا از قوانین ومقررات مربوطه بتابعیت حذف و یا لااقل آنرا با شرط متقابل ملحوظ دارند.

۷۹۵ - ب - حسن سابقه - بر طبق بند ۴ ماده ۹۷۹ ق. م. ا. متقاضی نباید به جنحه مهم و یا جنایت غیرسیاسی محکوم شده باشد در ماده ۹۸۱ ظاهراً شرط مرور زمانی وجود دارد و متقاضی تحصیل تابعیت ایران نباید قبل از حصول مرور زمان (طبق قانون ایران سابقه محکومیت جنائی داشته باشد.

توجه باین دو قسمت وجود ابهامی را نشان میدهد و بهتر است که رفع ابهام در خود قانون بعمل آمده و معلوم شود که آیا عدم سلیقه محکومیت مطلق مورد نظر قانون است و یا عدم سابقه محکومیت تا حصول مرور زمان.

و نیز بهتر بود که قانونگذار محکومیت‌های جنحه مهم و یا جنایت را مانند مورد مرور زمان بر حسب قانون ایران تعیین میکرد تا اشکالی در تعیین و تشخیص نوع جرم و مقدار مجازات حاصل نگردد.

در قانون فرانسه طبق ماده ۹۹ - تابعیت مقررات مخصوصه دیگری در این مورد وجود دارد از اینقرار:

۱ - متقاضی نباید سابقه مرض مغزی و جسمی از درجه‌ای داشته باشد که امکان سربراشدن او بر جامعه و ایجاد منشاء خطری بدهد.

۲ - متقاضی باید قابلیت چسبندگی و همزیستی با جامعه فرانسوی داشته باشد مخصوصاً زبان فرانسه باندازه کافی بداند.

۸۰ - ج - اخلاق - متقاضی باید در مدت اقامت در ایران اخلاق و رفتار خوبی از خود نشان داده باشد و چنانکه در خود قانون مذکور است مشارالیه باید گواهی از شهربانی محل اقامت خود دائر بر حسن اخلاق و عدم سوء سابقه تهیه و تقدیم دارد (م ۹۸۳ ق. م)

۸۱ - چهارم - وسائل معیشت - بر طبق ماده ۹۸۳ ق. م. ا. لازم است که

متقاضی از شهربانی محل اقامت گواهی تهیه کند مبنی بر آنکه دارای مکنت و تمول کافی و یا شغل و حرفه معینی برای تأمین معاش خود میباشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی